

هجرت دینی در اندیشه‌ی شهید مطهری

حجت الله مهربانی کوشکی^۱

چکیده

پدیده هجرت در متون دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، یکی از عوامل تربیت معرفی شده است. در این نوشتار این مساله از دیدگاه شهید مطهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت این مساله در دائره دستورات اسلامی به حدی است که در قرآن کریم ترک کنندگان این فریضه را توبیخ می‌کند. در مقابل، پاداش و اجر اخروی و دنیوی را برای انجام دهندگان آن، بشارت می‌دهد. آنچه ضرورت پرداختن به این مساله را بیشتر می‌کند، اصلاح اندیشه محدودیت هجرت به صدر اسلام و تبیین جایگاه فرا زمانی و فرا مکانی هجرت، در تربیت انسان امروزی است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با توصیف و تحلیل در منابع اسلامی و اندیشه‌های مکتوب شهید مطهری صورت گرفته است. از یافته‌های پژوهش، الزامات هجرت اعم از ایمان، اخلاص، روحیه‌ی فعال و مبارزه‌گر در حفظ کرامت انسانی و ایمانی، ظهور عوامل هجرت و در پایان اقسام هجرت از نگاه شهید مطهری و منابع اسلامی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شهید مطهری، هجرت، عوامل هجرت، الزامات هجرت، اقسام هجرت

هجرت دینی در اندیشه‌ی شهید مطهری



^۱ دانش پژوه مقطع دکتری رشته‌ی تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه

هجرت از مسائل بسیار مهمی است که دین اسلام از منظر اجتماعی بر پایه آن استوار شد. به همین جهت در قرآن از مجاهدین و مهاجرین با تقدیس و تمجید یاد می‌کند (حشر). هجرت در حقیقت از یک منظر در برابر شرایط بد اجتماعی، راهکاری برای حفظ ایمان است و از طرفی حلقه اتصال است بین ایمان و جهاد، لذا مومن در آن لحظه که برای نجات ایمان جامعه و نجات اصل جامعه از چنگال دشمنان مهاجم بخواهد قیام کند لازمه اش هجرت از خانه و کاشانه است. در حقیقت هجرت بسان پلی میان ایمان و جهاد در راه خدا ترسیم شده است و به همین جهت در برخی آیات قرآن سه فضیلت ایمان، هجرت و جهاد را در ردیف هم قرار داده است (سوره بقره ۲۱۸، توبه ۲۰، انفال ۷۲، ۷۴، ۷۵، نحل ۴۱).

هجرت که بمعنای حرکت از خانمان و زندگی، دور شدن و کوچ کردن و به سرزمین امنی رفتن برای نجات ایمان و امکان اجرای فرائض دینی است. مساله مهمی که امروزه مانند غباری بر چهره هجرت نشست است، انگاره‌ی منسوخ شدن و مقطعی بودن این فریضه دینی است. در حالی که هیچ دلیلی بر منسوخ شدن این فریضه الهی ارائه نشده است و این فریضه همچون جهاد، یکی از ارکان اسلامی و دستوری همیشگی است که با تحقق شرائط، باید امتثال گردد.

این پژوهش با دو شاخصه متمایز و محدودتر از پژوهش‌های گذشته انجام شده است. اول: محوریت اندیشه شهید مطهری در باب هجرت دوم: بررسی دقیقتر و کاربردی تر مساله هجرت، در دو مقوله الزامات و اقسام هجرت. البته مسأله عوامل و زمینه‌های تکلیف هجرت نیز در خلال بحث تبیین شده است. بنابراین هدف نویسنده، آشکار سازی ژرف اندیشی‌های شهید مطهری در مسأله هجرت و ضرورت آن در تفکر شهید مطهری و تبیین شاخصه‌ها و الزامات انجام هجرت توسط مسلمین است.

پیشینه

در مورد سابقه مساله از نظر موضوع هجرت در کتابهای تاریخ صدر اسلام و کتاب‌های تفسیری ذیل آیات مربوطه، مباحثی پیرامون هجرت مطرح شده است. از نظر کار تحقیقاتی مستقل نیز کتاب هجرت و جهاد شهید مطهری از جمله کتاب‌های مطرح در این زمینه می‌باشد. در میان مقالات پژوهشگران معاصر، مقالات متعددی با محوریت هجرت نگاشته شده است، مانند، جایگاه هجرت از نگاه قرآن، نوشته حسین کریمی، که در نشریه اندیشه‌های قرآنی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. همچنین مقاله آقای محمد حسین ساکت با عنوان هجرت در نگاه قرآن که در نشریه بینات در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. مقاله حاضر با تلاشهای محققان

گذشته از دو جهت متمایز است، ۱- بررسی دقیقتر این مساله دینی در محدوده الزامات و اقسام هجرت ۲- محوریت آثار و اندیشه‌های شهید مطهری در مساله هجرت است.

واژه شناسی

هجرت: این واژه در لغت به معنای گسستن دوستی و جدایی و ترک کردن کسی که با او همنشین بوده است (راغب اصفهانی، ذیل ماده هجر). دوری و از مکانی به مکان دیگر رفتن، ترک کردن چیزی که ارتباط با آن برقرار بوده است. چنانکه التحقیق ذیل ماده هجر، می نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ تَرْكُ شَيْءٍ مَعَ وجود ارتباط بینهما» به همین سبب معنای اولیه گسترش یافته و به معنای راهی شدن و کوچ کردن از محلی به محل دیگر بکار رفته است (راغب ذیل ماده هجر). مهاجر به کسی می گویند که برای خواسته و هدف ارزشمند خود از خانه و زادگاه و محل زندگی خود جدا می شود و راهی سرزمین دیگر می شود (ساکت ص ۱۵)

۱/ الزامات و شاخصه های هجرت

هجرت به عنوان یک توصیه و تکلیف دینی دارای ضوابط و شاخصه هایی است. این ضوابط عامل اصلی الهی و معنوی شدن هجرت، و بهره مندی مهاجر از اجر و پاداش های مادی و معنوی از جانب خداوند متعال است. این شاخصه ها در قرآن کریم و روایات اهل بیت ع و کلمات شهید مطهری تبیین شده است که به ۴ مورد از آنها اشاره می گردد.

۱-۱: ایمان و التزام به باورهای صحیح مذهبی

اساسا هجرت در متون دینی با پیش فرض اعتقاد و باور صحیح به خداوند و ارکان دینی توسط مهاجر، تقدس می یابد. لذا در غالب آیات قرآن که مساله هجرت مطرح است این واژه بعد از واژه ایمان و مشتقات آن قرار می گیرد (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجْهَ دِوَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، (توبه ۱۹) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا... فِي سَبِيلِ اللَّهِ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا... (انفال ۷۴). الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا... أَعْظَمُ دَرَجَةً... (توبه ۲۰)، وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (نحل ۴۱)

در این آیات به وضوح زیربنای مهاجرت ارزشمند و معنوی، مساله ایمان و باورمندی مطرح می شود. این مساله با شاخصه ی نیت خالص دینی داشتن مهاجر متفاوت است. ملازمه ای بین برخورداری از شرط ایمان و برخورداری مهاجر از نیت خالص وجود ندارد و تاکید بر فی سبیل الله بودن مهاجرت در کنار ایمان، نشان دهند دو شرط برای هجرت است. بنابراین مهاجری در پیشگاه خداوند ارزش معنوی دارد و از پاداشهای آن برخوردار است که با پشتوانه ایمانی و التزام به شرائط ایمان صحیح به مهاجرت تن دهد و سختی های آن را بجان بخرد.

شهید مطهری این شاخصه را در ضمن حکایتی از یک سرباز بظاهر مسلمان در جنگ احد، مطرح می‌کند، آنجا که آن سرباز صرفاً بجهت دفاع از قبیله و طائفه خود وارد میدان شده، لحظات آخر عمر خود را با اظهار عدم باور به مسائل ایمانی و دینی سپری می‌کند و نهایتاً با خود کشتی به عمر خود را بپایان رسانید و به همین جهت مجاهدت و مرگ او مورد توجه پیامبر قرار نگرفت (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۴).

۱-۲: برخورداری از روحیه مبارزه و عدم انفعال روحی

به بیان شهید مطهری خداوند انسان را مسخر و محکوم هیچ موجودی قرار نداده است. او انسان را درکمال آزادی و حریت می‌خواهد، ولی لازمه تحقق این آزادی مقابله و مبارزه با عوامل اسارت آفرین و دریند کننده است. انسانی که با این عوامل همراهی می‌کند و تسلیم آنها است محکوم و ذلت پذیر است. بنابراین حقیقت، یکی از شاخصه‌های مهم هجرت، عدم پذیرش اسارت و انفعال روحی در برابر عوامل خلاف دین و معنویت است. مومن باید روحیه سلحشوری و مبارزه با موانع دین داری و ایمان را در خود تقویت کند و در شرائطی که مبارزه نتیجه بخش نبود، خود را از مهلکه نجات دهد و با هجرت ایمان خود را حفظ کند. در قرآن کریم آیه ی ۹۹ سوره نساء چنین می‌فرماید،

«انَّ الَّذِينَ تَوَفَّيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...»

در این کریمه افرادی که به خود ظلم کرده اند به توهم معذور بودن، بهانه استضعاف می‌آورند، در پاسخ ملائکه آنان را توبیخ می‌کنند که چرا برای مقابله با شرائط ضد دین و موانع اجرای دین، مهاجرت نکردید. شهید مطهری بر اساس این آیات قرآن، در جهت تبیین عمومی مطلب عذر این گونه افراد را مانند عذر یک موجود محکوم بجبر مانند درخت می‌داند و می‌فرماید:

«اینها عذر یک درخت است. درخت است که نمی‌تواند از جای خود حرکت کند. اگر به درختی بگوییم: چرا در کنار خیابانهای تهران پژمرده شده‌ای و صورت برگهایت مثل آدمهای تریاک اینقدر سیاه است؟ می‌گوید: مگر اتوبوسهای شرکت واحد را نمی‌بینید که چقدر دود می‌کنند؟! تقصیر من چیست؟ واقعاً تقصیر درخت چیست؟ درخت که نمی‌تواند جایش را عوض کند و مثلاً به بیابان برود تا برگهایش سبز و خرم شوند! این درخت، این موجود، ریشه هایش به زمین وصل است، نمی‌تواند خود را جدا کند (مطهری ج ۲۳، ص: ۶۱۴)»

۳-۱: حرکت برای خدا و اهداف دینی

آنچه در متون دینی اعم از قرآن و روایات مطرح است، هجرت با نیت خالص و برای خدا و اهداف دینی است.

شهید مطهری با مقایسه مساله نیت مهاجر و نیت مجاهد فی سبیل الله، می فرماید: همانگونه که جهاد اسلامی صرف شمشیر زدن کشتن سربازان و به عقب راندن دشمن نیست و اگر مجاهد در دلش نیت های غیر الهی مانند شهرت طلبی، مال و ثروت خواهی، ارتقاء درجه و رتبه نظامی مالی اجتماعی باشد ارزشی ندارد، مهاجرت و هجرت نیز اگر برای راحت طلبی و همراهی با قوم و طائفه و مسائل غیر الهی باشد، هر چند با زحمت و تحمل سختی ها باشد، اما باز ارزش معنوی ندارد (مطهری، ج ۲۳، ص ۵۸۳). در روایات اهل بیت ع صراحتاً این مساله مطرح شده است چنانکه پیامبر ص فرمودند:

مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى مَالٍ يُصِيبُهُ أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يُصِيبُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ (مجلسی ج ۶۷ ص ۲۱۱)

۴-۱: ظهور عوامل هجرت (ظلم و اجبار یا اهداف بلند اجتماعی معنوی)

از مجموع سخنان و یادداشتهای شهید مطهری چنین می توان نتیجه گرفت که لزوم و ضرورت انجام هجرت منوط به تحقق دو دسته عامل کلی است.

یک: تحقق شرائط خاص اجتماعی که در آن شرائط حفظ جان و ایمان منوط به هجرت است.

دو: هدف قرار گرفتن آرمانهای معنوی برای خود یا جامعه، و رفع نیازهای حیاتی جامعه اسلامی.

با توجه به شرائط و الزامات پیش گفته، انجام هر کدام از مصادیق هجرت، مستلزم به همراه داشتن شرائط پیش گفته می باشد. هر دو دسته عوامل، در آیات قرآن کریم مورد تایید و تاکید قرار گرفته است. در جملات و بیانات شهید مطهری نیز بصورت فی الجمله به عوامل هجرت پرداخته شده است. در ادامه به تبیین بیشتر این عوامل پرداخته می شود.

۲/عوامل هجرت

۱-۲- عوامل دسته اول: هجرت به جهت شرائط خاص اجتماعی یا سیاسی

۱-۱-۲: اجبار به اعمال خلاف دین

ظلم و اجبار به پذیرش و انجام اعمال خلاف دین و مصالح جامعه اسلامی یکی از عواملی است که قرآن کریم در مواجهه با آن به مسلمانان دستور مهاجرت و هجرت می دهد (الوسی، ج ۳، ص: ۱۲۱). شهید مطهری این مساله را ضمن بیان شرائط هجرت و مجاهدت امام حسین ع که حضرت در مقابل اجبار به بیعت با یزید، تصمیم به مهاجرت گرفت و این مهاجرت را بامجاهدت و شهادت زینت دو چندان بخشید. (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۶)

۲-۱-۲: اجبار به ترک خانه و شهر

در قرآن کریم یکی از عوامل لزوم هجرت را اجبار و تحت تعقیب قرار گرفتن معرفی می کند. چنانکه در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، مظلومانی که با اجبار از خانه خود اخراج شده اند را تمجید و اجر آنان را در تحمل سختی ها محفوظ می داند و گناهان آنان را آمرزیده و مستحق بهشت می داند.^۲ و اخراج کنندگان را اهل دوزخ و ظالم معرفی می کند.^۳

۳-۱-۲: آزار و ظلم طاقت فرسا

از دیگر عواملی که در قرآن کریم بر لزوم هجرت دلالت میکند، مورد آزار و اذیت قرار گرفتن مومنین و متعلقات ایشان است.

«ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. (نحل ۱۱۰)

واژه ی فتنوا در آیه شریفه از ماده ی فتنه و در اصل بمعنای داخل کردن طلا در آتش است برای آزمایش و برای انسان یعنی انسان در آتش اندازند. کاربرد این واژه برای نشان دادن شدت و سختی بیشتر است (راغب ذیل ماده فتن). این آیه بیان پاداش و وعده رحمت و مغفرتی از جانب خدا به مسلمانانی است که مشرکان مکه بسیار از آنان را مورد آزار و اذیت قرار می دادند تا از دین خود دست بردارند و یا از شهر مکه خارج



^۲ - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقَاتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ - آل عمران ۱۹۵/ (۳)

^۳ - إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَيُظَاهِرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ - ممتحنه ۹-

شوند (طباطبایی، ج ۱۲، ص: ۳۵۶) البته برخی از مفسرین فتنوا در آیه شریفه را به معنای فریب خوردن و مرتد شدن گرفته اند (مکارم، ج ۱۱، ص: ۴۲۱)

آیه دیگری که قرار گرفتن در محیط پر از ظلم و ستم را عامل هجرت بیان می کند، آیه ۴۱ سوره نحل می باشد که می فرماید:

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (نحل ۴۱).»

در این آیه شریفه مهاجرت برخی از مومنین را بر اثر سرازیر شدن انواع ظلم ها و تعدی ها در مسائل گوناگون بیان می کند (ابن عاشور، ج ۱۳ ص ۱۲۷) اما این فرار و هجرت برای رهایی از ظلم نیست بلکه برای جلت رضای خدا و نگهداری از دین و تبعیت از دستور نبی بر هجرت است نه فقط برای حفظ منافع و زندگی راحت (طبرسی، ج ۶، ص: ۵۵۷)، اینان از وطن و اهل و خویشان خود جدا می شوند و زحمت هجرت را بجان می خرنند به امید اجر و پاداش الهی که در ادامه آیه آن را آرامش و اسکان (فخر رازی، ج ۲۰، ص: ۲۰۹) و جبران سختی - ها و منافی که در مهاجرت از دست داده اند بیان می کند (ابن عاشور، ج ۱۳، ص: ۱۲۷).

عوامل فوق، مواردی است که در قرآن کریم به هجرت دستور می دهد یا هجرت مسلمین را تایید می کند. شهید مطهری نیز این موارد را به صورت فی الجمله و مختصر بیان می کند، خصوصا در باب بیان مجاهدت و مهاجرت امام حسین (ع)، مجموع عوامل ذکر شده فوق را عامل هجرت امام حسین و اصحابش از مدینه تا سرزمین کربلا معرفی می کند. (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۶).

۲-۲- عوامل دسته دوم: هجرت بجهت تقویت ایمان و رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی

این دسته عوامل همچون دسته اول، در قرآن کریم و کلمات شهید مطهری مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۱: هجرت به قصد تزکیه نفس - تقوا و نیکوکاری بیشتر

در قرآن کریم و کلمات شهید مطهری این عامل یکی از عوامل هجرت مطرح شده است. چنانچه از بیان شهید مطهری بدست می آید هجرت بر اساس این علت، متوقف بر شرایط بد سیاسی اجتماعی پیش گفته نیست

چنانکه در قرآن کریم^۴ نیز بعد توصیه به تقوا و نیکوکاری در دنیا، راهکار افزایش و تقویت مطلوب آن را، حرکت در زمین وسیع الهی و هجرت معرفی می کند. (فخررازی، ج ۲۶، ص: ۴۳۰-صادقی تهرانی، ج ۲۵، ص: ۳۰۲).

شهید مطهری نیز در این باره می فرماید:

«این آیه هر دو را با یکدیگر ذکر می کند: وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ يَعْنِي در آن واحد دو هجرت بکند: هجرت جسمی و هجرت روحی. جسمش از شهری به شهر دیگری منتقل بشود و روحش از مرحله انانیت و منیت به مرحله اخلاص ترقی کند و بالا برود. اینچنین مهاجری را قرآن می گوید: فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (یک تعبیر خیلی عالی است) اجر او را دیگر از خدا بخواهید؛ عهده دار اجر او خداست. (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۴)»

۲-۲-۲: هجرت برای کسب معارف اسلامی

هجرت برای کسب معارف دینی و آگاهی از مسائل دینی، انگیزه اصلی در آن تقید و احساس تکلیف به رعایت مسائل نظری و عملی دین و انتشار آن است. در قرآن کریم عدم هجرت عده ای از هر منطقه و اجتماع را برای کسب معارف دینی توییح می کند. در این آیات هدف از انجام چنین کاری، کسب معارف دینی و تقویت ایمان فرد، و بعد از آن، تبلیغ معارف دینی در میان قوم و اجتماع معرفی می شود (توبه، ۱۲۲- ابن عاشور، ج ۱۰، ص: ۲۲۷- بیضاوی، ج ۳، ص: ۱۰۲).

شهید مطهری نیز به این گونه از هجرت ها اشاره کرده و در آن به تبیین اهداف غلط و غیر الهی در این مسیر اشاره می کند که مهاجرین طالب علم باید از آنها بریء باشند.

«...آیه شامل یک گروه دیگر هم می شود و آن گروه، طالبان علم هستند، طالبان علمی که از شهر و وطن خودشان به شهر دیگری هجرت می کنند برای اینکه علم و معارف اسلامی بیاموزند. هدفشان از این آموزش چیست؟ آیا نام است؟ نه. شهرت است؟ نه. افتخار است؟ نه. بالادست دیگران بنشینند؟ نه. دستشان را ببوسند؟ نه. وجوهات به آنها بدهند؟ نه. بلکه هدفشان فقط و فقط ازدیاد ایمان خودشان و بعد ارشاد و هدایت مردم است. چنین افرادی مهاجرند؛

^۴ - قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر، ۱۰)

...[آنان] هدفشان از آموزش علم و دانش، رفع نیازهای اسلامی است و کارشان برای خداست.

(مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۴).

۲-۲-۳: هجرت برای دفاع از حجت خدا و اطاعت از دعوت او

از دیگر عوامل هجرت دفاع از حجت خدا و اطاعت از دستور او به هجرت و جهاد است. در قرآن کریم با انواع مشتقات واژه های هجر(انفال ۷۲- ۷۴-۷۵-توبه ۲۰) و نفر(نساء ۷۱، توبه ۳۸-۳۹-۴۱-۸۱)، مسلمانان را در راه جهاد و اطاعت از دستورات رسول خدا، امر به هجرت و جدا شدن از خانواده و دلبستگی های زندگی مادی می کند در قرآن کریم کسانی که همراه رسول خدا برای دفاع از ایشان مهاجرت نکنند را بسیار مذمت کرده است (مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ) و فکر و عملی که در آن جان و زندگی خود را بر جان و زندگی رسول خدا برتر بداند و تن به مهاجرت و مجاهدت ندهد توبیخ می کند(توبه ۱۲۰- بیضاوی، ج ۳، ص: ۱۰۱)

در کلام شهید مطهری بویژه پیرامون مهاجرین صدر اسلام و حرکت امام حسین ع و یاران با وفایش، ایشان به مساله هجرت آنان اشاره می کند و مهاجر و مجاهدت را دو فضیلت توأمان برای آنان می شمارد.

«حسین بن علی (سلام الله علیه) [و اصحاب باوفایش] در منطق قرآن، هم مهاجر است و هم مجاهد. آنان خانه و شهر و دیار خودش را رها کرده و پشت سر گذاشته است ... مهاجرین صدر اسلام ... آنها مهاجر بودند و بعدها که دستور جهاد رسید، این مهاجرین تبدیل به مجاهدین هم شدند. در جمله آخر [خطبه ای که قبل از حرکت از مکه ایراد فرمودند]، هجرت خودش را اعلام می کند: مَنْ كَانَ فِينَا بِإِذْنِ مُهْجَتِهِ وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَأَنْتَ رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ «۱» هر کسی که کاملاً آماده است که خون قلبش را هدیه کند (ما در این راه یک هدیه بیشتر نمی خواهیم)، هر کسی که حاضر است با من هم آواز باشد و مانند من که هدیه ام خون قلبم است، در این راه چنین هدیه ای برای خدای خودش بفرستد، چنین هدیه ای در راه خدای خودش بدهد، چنین آمادگی دارد، آماده یک مهاجرت باشد، آماده یک کوچ و رحلت باشد که من صبح زود کوچ خواهم کرد: فَأَنْتَ رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.. عده زیادی همراه حسین بن علی آمدند اما...» (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۷)

۲-۲-۴: هجرت برای کسب علم و مهارت های مورد نیاز

از دیگر عوامل هجرت که در کلام شهید مطهری با تفصیل بیشتری به آن پرداخته شده است هجرت برای کسب علم یا مهارت است. علوم و مهارتهایی که جامعه اسلامی به آن نیازمند است و چه بسا

محتاج به مشرکین، از جمله مسائلی است که به جهت کسب استقلال جامعه اسلامی و قطع وابستگی از مشرکین، لازم است عده ای برای رضای خدا، سختی و غربت مهاجرت را تحمل کنند و این نقیصه ها را مرتفع کنند. شهید مطهری این بیان را اقتباس شده و توسعه یافته ی آیه قرآن (توبه ۱۲۲) در باب مهاجرت طالبان علم دینی میداند و می فرماید:

«...حتی لزومی ندارد که چنین انسانی فقط برای آموزش معارف خاص اسلامی رفته باشد که عقاید اسلامی، تفسیر، احکام اسلامی و ... بیاموزد. اگر کسی یک رشته دیگر را انتخاب کند [و هدفش رفع یک نیاز اسلامی باشد نیز مصداق این آیه است.] مثلاً شخصی رشته پزشکی را انتخاب کرده است ولی چرا دنبال این رشته رفته است؟ برای این احساس که جامعه اسلامی احتیاج به پزشک مسلمان دارد. دنبال پزشکی رفته است نه برای اینکه جیبش را پر کند، نه برای اینکه تیترا دکتری روی اسمش بیاید، بلکه برای اینکه این فریضه کفایی، این واجب کفایی دنیای اسلام را که اسلام نیاز دارد به یک عده پزشک به قدری که کافی باشند و مسلمین رفع نیازشان بشود و بیماریهایشان معالجه بشود، انجام دهد. چنین شخصی هم مهاجر الی الله و رسوله است. (وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ)...» (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۵).

۳/ اقسام هجرت

هجرت در نگاه آموزه های دینی و بیانات شهید مطهری را می توان در دو دسته ی هجرت های ظاهری و بیرونی و دسته ی هجرت های درونی و معنوی تبیین کرد.

۳-۱: هجرت های ظاهری و بیرونی

این قسم از هجرت، هجرت هایی است که انسان متعهد، جسم و جان خود برای اهداف مهم و متعالی به هجرت وادار می کند و از خانه و دیار خود مهاجرت می کند. در بخش عوامل هجرت انگیزه های اینگونه هجرت در دو دسته بیان شد.

دسته اول، هجرت از شهر و دیار به جهت حفظ جان و حفظ ایمان در شرائط بد و دین ستیز اجتماعی.

دسته دوم، هجرت از شهر و دیار به جهت کسب معارف دینی، کسب مهارت‌های مورد نیاز جامعه، دفاع و اطاعت از فرمان حجت الهی. این هجرت‌ها ممکن است حتی در شرائطی که دینداری و باورمندی به دین، مورد اقبال جامعه است؛ صورت بگیرد.

۳-۲: هجرت‌های معنوی درونی

در این قسم از هجرت، برای رهایی از پلیدی‌های درونی، از لذت‌ها، منافع مادی، آسایش نفس، چشم پوشی می‌شود و به سمت کرامتها و فضائل هجرت صورت می‌گیرد. منشأ طرح چنین هجرتی متون دینی و معارف اسلامی است.

خداوند متعال انسان را آزاد آفریده است. انسان نه تنها مسخر هیچ موجودی نیست بلکه همه چیز را مسخر و تحت سلطه او قرار داده است (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۴). این حریت و آزادگی به جهت توانمند سازی انسان در برابر اسارت‌ها و برای تربیت صحیح او است. یکی از ابزارها و عوامل مهم در ابراز حریت، هجرت است (مطهری، ج ۲۳، ص: ۶۱۳)، انسان موحد و مراقب، شرائط درون و برون خود را برای حفظ کرامت انسانی و ایمانی کنترل می‌کند و از هر عامل انحطاط و سقوط هجرت و کنارگیری می‌نماید.

حفظ آزادی و هجرت نیازمند استقامت و درگیری با عواملی است که به بهانه‌های مختلف انسان را مطیع خود می‌سازد. بایک بررسی اجمالی مشاهده شد که موارد متعددی در قرآن کریم ذکر شده است که با عناوین مختلف آن را از پلیدی و زشتی‌های زندگی انسانی معرفی کرده است و انسان را از اسارت و مغلوب شدن در برابر آنها، باز میدارد. به همین خاطر ترک این عوامل و هجرت از این عوامل، با صراحت بیانی «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (المدرثر: ۵)، رَجَسُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبْهُ (مائده ۹۰) وَ دَرُّوا ظَاهِرَ الْاِثْمِ وَ بَاطِنَهٗ (انعام ۱۲۰) مورد تاکید قرار است.^۵

هجرت در این مرحله در کلام شهید مطهری به دو شکل هجرت از نفس و نفسانیت‌ها و هجرت از عادات ناپسند مطرح شده است. در باب هجرت از هواهای نفسانی می‌فرماید:

«امر دایر است میان یکی از ایندو: یا درگیری با نفس اماره و برده کردن و در اطاعت خود در آوردن آن، یا درگیرنشدن و اسیر و زبون آن گردیدن. النَّفْسُ اِنْ لَمْ تَشْغَلْهُ شَغَلَتْكَ خَاصِيَتِ نَفْسِ

^۵ - در قرآن اعمال پلید را رجس (انعام ۹۰)، رجز (انفال ۱۱، مدرثر ۵)، فواحش (۱۵۱ انعام، ۳۳ اعراف)، اثم (بقره ۲۱۹، حجرات ۱۲)، فسق (حجرات ۷-۱۱، مائده ۳)، نامیده است و از تمامی آنها نهی کرده است.

آماره این است که اگر تو او را وادار و مطیع خود نکنی، او تو را مشغول و مطیع خود خواهد ساخت (مطهری، ج ۲۳، ص: ۵۸۴).

اما در باب هجرت از عادات ناپسند در تمامی شئون فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، و ... شهید مطهری توضیحات مفصلی را بیان می کند. از جمله مسائلی که از این جهت هجرت در آن ضروری است؛ هجرت از عادات و رسومات اجتماعی است. البته باید بین تبعیت از سنن صحیح اسلامی که پشتوانه منطقی و وحیانی دارد با رسومات بی منطق و خرافه اجتماعی تفاوت قائل شد. بین تعصبات بی منطق قومی، نژادی و مذهبی با تعصب بر سنن صحیح و منطقی تفاوت قائل شد. هجرت از این مسائل نیازمند شناخت عظمت آزادی و حریت و تحقیر اسارت و بردگی در عادات و رسومات فردی و اجتماعی است. بخشی از کلام ایشان چنین است (مطهری، ج ۲۳، ص: ۶۱۳).

«انسان نباید اینقدر اسیر عادات باشد. متأسفانه باید عرض کنم که عادات اجتماعی، بیشتر در میان خانمها رایج است تا آقایان. مثلاً رسم چنین است که در روز سوم میّت، ... یا در عروسی رسم این است که ... رسم است، چه می شود کرد؟... حال چه فلسفه ای دارد و چرا؟... این یعنی زبونی، حقارت و بیچارگی. انسان نباید اینقدر اسیر عرفها باشد. آدم باید تابع منطق باشد. البته مثل امروزها هم نباید بی جهت سنت شکن بود و گفت: من با هر چه سنت است مخالفم! خیر، من با هر چه که سنت است مخالف نیستم؛ با هر چیزی که منطق دارد موافق و با هر چه که منطق ندارد مخالفم. آن هم از آن طرف افتادن است... احیا و پرورش شخصیت انسان، مبارزه با یکی از اساسی ترین عوامل زبونی و اسارت انسان: ای انسان! اسیر محیطی که در آن متولد شده ای نباش، اسیر خشت و گل نباش «۱». انسان باید برای خود این مقدار آزادی و حریت و استقلال قائل باشد که نه خود را اسیر و زبون منطقه و آب و گل کند و نه اسیر و زبون عادات و عرفیات و اخلاق زشتی که محیط به او تحمیل کرده است باشد. الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ مهاجر کسی است که بتواند از سیئات، بَدِهَا...»

این تعلیم و تبیین ساده از زبان شهید مطهری در حقیقت تبیین روایاتی است که تفسیر آیات قرآن کریم در باب لزوم هجرت است که در قسمت های قبلی بدان اشاره شد. در روایات اهل بیت نیز با تعبیرات گوناگون هجرت از این گونه مسائل را مورد تاکید قرار گرفته است.

و الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ تَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَ الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَظْلِمَهُ، أَوْ يَخْذُلَهُ، أَوْ يَغْتَابَهُ، أَوْ يَدْفَعَهُ دَفْعَةً (کلینی ج ۳ ص ۵۹۶-).

- وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ. (حلوانی، ص ۱۵۵)

- المهاجر من هجر ما نهى الله عنه (پاینده، ص ۳۷۷)

بنابراین هجرت از عادات و رسومات غلط و بعضا حرام و هجرت از خطا و گناهان فردی و اجتماعی، از جمله هجرت های پسندیده است که البته باید توجه کرد که این هجرت نیز با هدف و نیت الهی صورت بگیرد و نه عجب و تکبر، مقام طلبی و مرید خواهی و...



نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، هجرت در اندیشه شهید مطهری از جمله واجبات دینی است که همچون جهاد، منحصر در زمان صدر اسلام نیست و براساس شرائط و عواملی بر مومنین واجب و ضروری می‌گردد. در این مقاله دیدگاه‌های شهید مطهری، در سه مسأله الزامات، عوامل و اقسام هجرت، با مؤیدهای قرآنی و روایی ارائه گردید. اهم یافته‌های تحقیق عبارتند از:

- در باب الزامات، در چهار مطلب ارائه گردید که عبارتند از: ایمان و التزام به آن، تقویت روحیه مبارزه با موانع دینداری، اخلاص و قصد حرکت برای خدا و اهداف دینی، تحقق عوامل ضرورت هجرت.
- در باب عوامل هجرت، این عوامل در دو دسته ارائه گردید، یک: هجرت به جهت شرائط خاص اجتماعی یا سیاسی، که در این زمینه سه عامل اجبار به ترک خانه و دیار، اجبار به اعمال خلاف دین، آزار و ظلم طاقت فرسا، مطرح گردید. دو: هجرت به جهت تقویت ایمان و یا تحقق نیازهای مادی و معنوی جامعه، که در این زمینه، چهار عامل مطرح گردید، هجرت به قصد تزکیه نفس و تقویت نیکوکاری، هجرت برای کسب و نشر معارف دینی، هجرت برای دفاع از حجت خدا و اطاعت دعوت او، هجرت برای کسب مهارتها و علوم مورد نیاز جامعه. هجرت از دیدگاه شهید مطهری و منابع دینی،
- در باب اقسام هجرت نیز به دو دسته کلی هجرت ظاهری، بیرونی و هجرت معنوی درونی اشاره گردید. و هجرت درونی در دو مسأله هجرت از پلیدی‌های نفسانی و هجرت از پابندی و اصرار به عاداتها و رسوم فردی و اجتماعی خلاف عقلانیت و دین مورد اشاره قرار گرفت.

قرآن کریم

۱. ابن عاشور محمد بن طاهر ، التحرير و التنوير، موسسه التاريخ، بيروت، اول
۲. آلوسی سيد محمود ، روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم ، تحقيق: علی عبدالباری عطیة، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق دارالکتب العلمیه، نوبت چاپ: اول، بيروت
۳. بیضاوی، عبد الله بن عمر ، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ ق، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، دار احیاء التراث العربی، بيروت، اول
۴. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله)، ۱ جلد، دنیای دانش - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۵. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر ۱۴۰۸ ق، نزهة الناظر و تنبيه الخاطا، محقق مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، اول
۶. رازی، فخرالدین ، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغیب، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق،
۷. راغب اصفهانی ، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت دارالعلم الدار الشامیه.
۸. صادقی تهرانی محمد، الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ: دوم ۱۳۶۵ ش،
۹. طباطبایی. سيد محمد حسین. المیزان فی تفسير القرآن، (م. ۱۴۰۲ ق.)، اول، بيروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۱۷ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسير القرآن ، تهران، انتشارات ناصر خسرو، تحقيق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، ۱۳۷۲ ش، چاپ: سوم،
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، مترجم: مصطفوی، سيد جواد، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، چاپ: اول ۱۳۶۹ ش

